گلایه‌های دانشجویی؛

زحمت دانشجوی دکتری دیده نمی‌شود

اسم استاد راهنما باید در صدر اسامی نویسندگان مقاله حاصل از پایان‌نامه دانشجویان دکتری درج شود در حالی که برخی از دانشجویان این مقطع معتقدند؛ بسیاری از اساتید راهنما حداقل وظایف خود را هم در قبال دانشجو انجام نمی‌دهند.

به گزارش خبرنگار **گروه دانشگاه ایسکانیوز**؛ نوشتن مقاله و چاپ مقاله مهمترین ملاک ارزیابی نظام علمی و دانشگاهی در ایران به حساب می‌آید. مهم نیست دانشجو باشی یا استاد؛ در هر صورت ملاک ارزیابی علمی شما تعداد مقالاتی است که اسم شما در آن درج و در رزومه شما ثبت شده باشد. بیشترین تعداد مقاله را در ایران دانشجویان مقطع دکتری می‌نویسند اما بیشتر مزایای این مقالات برای اساتید راهنماست؛ در واقع زحمات و سختی کار تحقیق و پژوهش بر عهده دانشجوست اما شیرینی آن به کام استاد می‌رود.

اساتید راهنما وظیفه دارند که دانشجو را در تمام مراحل نوشتن پایان‌نامه و رساله همراهی کنند و اشکالات او را برطرف کنند اما در غالب موارد نه تنها چنین کاری را انجام نمی‌دهند؛ بلکه توقع چاپ چند مقاله را هم از دانشجو دارند و حتی شأن خود را انجام چنین کاری نمی‌دانند که خط به خط نوشته‌های دانشجو را بخوانند و آن را بررسی کنند. این نحوه راهنمایی اساتید در کنار اینکه در نهایت مقالات حاصل از پایان‌نامه باید نام استاد را در صدر خود ببیند؛ باعث اعتراض همیشگی دانشجویان بوده است.

سختی کار، از نوشتن پایان‌نامه تا استخراج مقاله و فرآیند سخت چاپ مقاله، همگی بر عهده دانشجوهاست. تمام هزینه‌های مادی و معنوی آن را هم آنها پرداخت می‌کنند؛ اما در نهایت نام استاد باید در صدر اسامی نویسندگان مقاله درج شود. «فاطمه» دانشجوی مقطع دکتری در یکی از دانشگاه‌های دولتی‌ست. وی مقاطع کارشناسی و ارشد خود را در دانشگاه‌های شهید بهشتی و تهران گذرانده است و قرار است تا چند ماه آینده از رساله دکتری خود نیز خود دفاع کند. این دانشجوی دکتری فرآیند فعلی فارغ‌التحصیل شدن در مقطع دکتری و چاپ مقالات دانشجویان به اسم اساتید را شبیه به نوعی از برده‌برداری نوین می‌داند و اعتراض خود را نسبت به این مسئله در قالب یک توییت بیان کرده است. برای بررسی مسائل دانشجویان دوره دکتری و مشکلاتی که دارند «ایسکانیوز» گفت‌وگویی با این دانشجو انجام داده است. البته این دانشجو به خاطر اینکه قرار است تا چند ماه آینده از پایان‌نامه خود دفاع کند و به قول خودش در حال حاضر مانند «گوشت زیر دندان استاد است»، ترجیح داده که اسم وی منتشر نشود.

روند نوشتن پایان‌نامه و چاپ مقاله چه مسائلی برای دانشجویان مقطع دکتری دارد که شما آن را شبیه به نوعی برده‌داری نوین دانسته‌اید؟

نوشتن مقالات آکادمیک برای دانشجو و آوردن اسم اساتید به صورت اجباری، مسئله‌ای است که من را به عنوان یک دانشجو در این چند سال خیلی درگیر کرده است. من هم خودم درگیر این مسئله بوده‌ام و هم درگیری سایر دانشجویان را از نزدیک دیده‌ام. چارچوب کار این است که دانشجو، موضوع پایان‌نامه را انتخاب کند و با کمک یک استاد راهنما و یک استاد مشاور، تحقیق و پژوهش را انجام دهد. استاد راهنما باید پایان‌نامه را بررسی کرده، نظر دهد و دانشجو را راهنمایی کند. در نهایت هم این پژوهش قرار است به یک محصول برسد که آن محصول به اسم دانشجو، استاد راهنما و مشاور خواهد بود.

> استادی که کل سهمش از نوشته شدن یک پایان‌نامه، این است که بگوید علمی هست یا نیست؛ چرا باید اسمش در مقاله دانشجو بیاید.

این مسئله، یک مسئله منطقی و اصولی بوده و در همه جای دنیا نیز به همین صورت است. من این مسئله را نه تنها برده‌داری نمی‌دانم بلکه معتقدم؛ دانشجو در ابتدا، باید کار پژوهش را اینگونه شروع کند. اما چه اتفاقی در حال حاضر رخ می‌دهد؟

من در دوره ارشد یک پایان‌نامه نوشتم و در حال حاضر هم مشغول پایان‌نامه دوره دکتری هستم. برای نوشتن پایان نامه دوره ارشد، بعد از اینکه استاد راهنمای من انتخاب شد؛ من پایان‌نامه را نوشتم و بعد از پایان کار آن را به استاد راهنما تحویل دادم. روز دفاع استاد راهنما و مشاور در حالی‌که پایان‌نامه را نخوانده بودند به جلسه دفاع آمدند و بعد از اینکه کار را ارائه دادم از ارائه من ایراد گرفتند. یعنی کل نقش استاد راهنما و استاد مشاور من در نوشتن پایان‌نامه همین بود. حالا اگر از این پایان‌نامه قرار بود، یک مقاله تهیه شود؛ اسم استاد راهنما و استاد مشاور هم باید در آن مقاله می‌آمد. البته برای دوره ارشد ارائه مقاله خیلی مهم نیست و من هم در این دوره مقاله ارائه ندادم.

برای نوشتن پایان نامه، قاعده این است که دانشجو بعد از نوشتن هر فصل، آن را به استاد نشان دهد و بعد ایراداتی را که استاد می‌گیرد، برطرف کند؛ شما برای نوشتن پایان‌نامه ارشد خود چنین مسیری را طی نکردید؟

من هم ابتدا همین فکر را می‌کردم. بعد از نوشتن ۶۰ صفحه از پایان‌نامه تصمیم گرفتم که آن را به استاد نشان دهم. البته استاد من چون بیرون از دانشگاه مسئولیت داشت؛ زمان خیلی کمی برای دانشگاه می‌گذاشت. بالاخره یک روز توانستم ایشان را ببینم و به من گفت: صفحات آماده شده را چاپ کن و بیاور؛ تاکید هم داشت که حتماً چاپ شده باشد. روز موعود، ۶۰ صفحه را چاپ کردم و نزدیک به یک ساعت هم پشت در اتاق استاد منتظر ماندم. پایان‌نامه من در مورد فارابی بود؛ بعد از یک ساعت معطلی، استاد برگه‌ها را از من گرفت، ۱۰ ثانیه آنها را ورق زد و گفت: «نبوتش کم است؛ ببر زیادش کن»، بعد هم برگه‌ها را به من پس داد.

در حال حاضر هم مشغول تکمیل پایان‌نامه دوره دکتری هستم. بعد از نوشتن پایان‌نامه، آن را برای استاد راهنما فرستادم. تنها چیزی که به من گفته، این است که این هنوز علمی نیست. حالا من باید چه کار کنم که پایان‌نامه علمی شود؛ مثلاً یک قاشق علم روی آن بریزم یا از اسپری علم استفاده کنم. خب قاعده بر این است که استاد باید پایان‌نامه را بخواند و به دانشجو بگوید که فلان استدلال غلط است، این بخش را اضافه کن، این بخش را حذف کن؛ اما فقط به من گفت: «علمی نیست.»

این موضوع را هم در نظر بگیرید که استاد راهنمای رساله دکتری معادل ۱۸ واحد درسی از دانشگاه پول می‌گیرد. یعنی حداقل باید هفته ای ۲ تا ۳ ساعت برای پایان‌نامه یک دانشجو وقت بگذارد. اگر چنین کاری را انجام ندهد عملاً حقوقی که استاد می‌گیرد؛ حرام است اما اساتید این کار را انجام نمی‌دهند.

> رزومه‌های اساتید دانشگاه را که مشاهده کنید؛ انبوهی از مقالات در آن وجود دارد؛ مقالاتی که بعضاً حتی خوانده هم نمی‌شوند.

استادی که کل سهمش از نوشته شدن یک پایان‌نامه، این است که بگوید علمی هست یا نیست؛ چرا باید اسمش در مقاله دانشجو بیاید. یا مثلاً بگوید «زود باش، دیر شد، زمان گذشت»، «من دیگه نمی‌تونم پایان‌نامه بردارم؛ سریع‌تر تموم کنید که بتونم پایان‌نامه بردارم.»

البته من برای پایان‌نامه دوره دکتری خودم توانستم یک استاد مشاور بیرون از دانشگاه انتخاب کنم که ایشان من را به خوبی راهنمایی می‌کند. در واقع تنها کسی که به من کمک می‌کند همین استاد مشاور است که با شناخت قبلی که از او داشتم وی را انتخاب کردم. اما استاد مشاور نسبت به استاد راهنما حق مادی و معنوی کمتری دارد. اینکه استاد راهنما هیچ کمکی به که دانشجو نمی‌کند به کنار، به او می‌گوید: «اگر تا فلان زمان مقاله را آماده نکردی، حق دفاع نداری.»

یک وقت ممکن است که دانشجو این اختیار را داشته باشد که اسم استاد را در مقاله خود بیاورد یا نیاورد؛ اما در حال حاضر مجبور است که این کار را بکند. استاد راهنمای من گفته است که طبق قانون دانشگاه باید حداقل یک مقاله از پایان‌نامه چاپ شود؛ اما اگر نمره کامل را می‌خواهی باید حداقل سه مقاله از پایان‌نامه‌ات چاپ شود. یعنی حتی قانون دانشگاه هم نمی‌تواند جلوی برخی اساتید را بگیرد. در نهایت این استاد است که باید به دانشجو نمره دهد و هر طوری دوست داشته باشد می‌تواند شرایطی را برای او و نمره نهایی‌اش تعیین کند.

من خارج از کار دانشگاهی و با همکاری یک استاد دیگر، مقاله‌ای نوشته و آن را چاپ کرده‌ام. بعد از نوشتن مقاله، آن استاد خط به خط مقاله را خوانده و برای من نظر نوشته است. نظرات او را اصلاح کرده‌ام و دوباره نظر نوشته است. نوشتن این مقاله ۶ ماه از من وقت گرفت اما اصلاح نظرات استاد نزدیک به یک سال طول کشید. طبیعتاً وقتی می‌خواهم محصول را به اسم خودم و چنین استادی چاپ کنم حال خوبی دارم؛ چون در خط به خط آن مقاله نقش استاد را می‌بینم.

این یک فرآیند منطقی است که دانشجو بنویسد، استاد ایراد بگیرد، دانشجو ایرادات را اصلاح کند و در نهایت استاد آن را تایید کند. چنین محصولی باید به اسم استاد و دانشجو چاپ شود. اما اینکه استاد صرفاً به دانشجو بگوید: «اگر این را ننویسی نمی‌توانی دفاع کنی» یا کل دغدغه‌اش این باشد که چون اسم او هم در مقاله می‌آید مقاله در مجله معتبرتری چاپ شود؛ دانشجو احساس می کند به او توهین می‌شود و گاهی ترجیح می‌دهد قید دفاع کردن را هم بزند.

> اعتبار اساتید برای گرفتن پروژه‌های دولتی، رزومه اوست؛ رزومه را هم از طریق مقالات دانشجویان پر می‌کنند.

وقتی استاد راهنمای من گفت: «یک مقاله کف کار است و اگر نمره کامل میخواهی، باید سه مقاله از پایان‌نامه‌ات چاپ شود»؛ همان موقع تصمیم گرفتم که نمره کامل را نگیرم. در واقع ترجیح می‌دهم به جای گرفتن نمره ۱۹ یا ۲۰، نمره ۱۶ بگیرم ولی بیشتر از یک مقاله با اسم فرد دیگری چاپ نکنم. این فرایندها، فرآیندهای معیوبی است که فقط دانشجو را اذیت می‌کند. اساتید معمولاً نقش خود را برای نوشتن پایان‌نامه به درستی ایفا نمی‌کنند؛ کاش حداقل در چاپ مقاله به دانشجو کمک کنند. بعد از نوشتن پایان‌نامه و آماده کردن مقاله، تازه راه دور و دراز چاپ کردن مقاله جلوی پای دانشجوست که ممکن است شش ماه یا حتی یک سال طول بکشد.

قانون درباره نوشتن اسم استاد در مقاله دانشجو چه می گوید؛ این موضوع اختیاری است یا دانشجو مجبور است که اسم استاد را به عنوان نام اول درج کند؟

قانون دانشگاه‌ها با هم متفاوت است. برخی از دانشگاه‌ها می‌گویند که فقط اسم استاد راهنما باید در مقاله بیاید اما برخی از دانشگاه‌ها هم می‌گویند: علاوه بر استاد راهنما، اسم استاد مشاور هم باید درج شود. البته موضوع اصلی این است که معمولاً قانون در دانشگاه‌ها تعیین‌کننده نیست و این عرف است که همه چیز را تعیین می کند. اما به طور معمول اکثر دانشگاه‌ها می‌گویند که اسم استاد راهنما باید به عنوان اسم اول درج شود.

واقعیت این است که قانون خیلی ملاک کار نیست و همه چیز در اختیار گروه‌ها قرار دارد و گروه‌ها طبق سلیقه خودشان عمل می کنند. مثلاً قانون می‌گوید که پذیرش یک مقاله برای دفاع از پایان‌نامه کافی است اما استاد راهنما می‌گوید: «اگر نمره کامل را می‌خواهید باید سه مقاله ارائه دهید». حالا من دانشجو آیا می‌توانم به استاد بگویم که قانون می‌گوید فلان! خب معلوم است؛ استاد هم نمره من را نمی‌دهد.

به نظر شما این رفتار اساتید و تاکید بر نوشتن مقاله‌های بیشتر و اینکه اسم استاد هم به عنوان نام اول درج شود؛ چه دلیلی دارد؟

وقتی اسم استاد به عنوان اولین اسمی آید در واقع مقاله متعلق به استاد است و در رزومه او ثبت شده و بر تعداد مقالاتش افزوده می‌شود. حتی جالب است که خیلی از مقالات موجود در رزومه اساتید، ربطی به تخصص آن استاد هم ندارد. در واقع تنها فایده این مقالات پر کردن رزومه علمی استاد است. رزومه‌های اساتید دانشگاه را که مشاهده کنید؛ انبوهی از مقالات در آن وجود دارد؛ مقالاتی که بعضاً حتی خوانده هم نمی‌شوند.

این مقالات در ارتقای اساتید هم نقش مهم و اساسی دارد.

بله در ارتقای اساتید خیلی نقش دارند؛ البته فقط موضوع ارتقا نیست در دیگر موارد هم نقش دارند. وقتی شما استاد دانشگاه باشید، ممکن است پروژه‌های دولتی را به شما بسپارند؛ به خصوص در گروه های فنی مهندسی و مدیریت این اتفاق زیاد رخ می دهد. اعتبار اساتید برای گرفتن این پروژه‌ها، رزومه اوست؛ رزومه را هم از طریق مقالات دانشجویان پر می‌کنند. البته فقط موضوع مقاله هم نیست؛ مثلاً یک کتاب را بین دانشجویان تقسیم می‌کنند و هر دانشجو موظف است که قسمتی از آن را ترجمه

کند. استاد هم این ترجمه‌ها را سرهم کرده و کتاب را به اسم خودش چاپ می‌کند.

این مسائل چه مشکلاتی برای دانشجو ایجاد کرده است؟

من اگر به چاپ مقاله نیاز نداشتم در حال حاضر از پایان نامه خودم دفاع کرده بودم. زمان زیادی را فقط برای پیدا کردن استانداردهای مجلات مختلف گذاشته‌ام که هر مجله‌ای چه نوع مقاله‌ای را چاپ می‌کند؛ این مسائل فشار روانی زیادی به دانشجو وارد کرده می‌کند. سال پنجم دوره دکتری من به پایان رسیده است و با وجود تمام شدن پایان‌نامه هنوز مقاله چاپ نشده است. این مسائل به روح و روان دانشجویان آسیب می‌زند. اتفاقی که بعد از این رخ می‌دهد هم این است که دانشجو بعد از دفاع، خودش استاد دانشگاه می‌شود و شروع می‌کند به انتقام گرفتن از دانشجویان و این فرایند ادامه پیدا می‌کند.

شما بعد از دفاع از پایان‌نامه دکتری خود، احتمال دارد که عضو هیئت علمی یک دانشگاه یا پژوهشکده شوید؛ آیا همین رفتار اساتید فعلی خودتان را ادامه می‌دهید؟

واقعیت این است که من اساتید خوب هم داشته‌ام و ترجیح می‌دهم مثل این دسته از اساتید رفتار کنم. من ترجیح می‌دهم اگر در مقاله‌ای اسم من می‌آید؛ از این موضوع حس مفت‌خوری به من دست ندهد. استاد باید دانشجو را راهنمایی کند؛ لازم نیست کار پژوهشی او را انجام دهد اما باید بالای سر او باشد و کار او را بخواند، نظر بدهد و ایراداتش را بیان کند. البته امروز اینطور فکر می‌کنم؛ شاید من هم فرداروزی مثل دیگر اساتید شدم.

به نظر می‌رسد بخشی از این رفتار اساتید حاصل ساختاری است که حاکم بر نظام دانشگاهی ماست. ساختاری که ارتقاء اساتید و درآمد وی را به تعداد مقالات وابسته کرده است. یا اینکه تعداد دانشجویان دکتری آنقدر زیاد شده که استاد حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند به اندازه لازم برای هر دانشجو وقت بگذارد؟

یک فساد یا یک معضل اخلاقی معمولاً به صورت استثنا هستند؛ اگر از هر ۱۰ استاد، ۲ یا ۳ استاد اینطوری داشته باشیم؛ می‌توان گفت که معضل اخلاقی فرد است. اما وقتی از هر ۱۰۰ استاد ۲ یا ۳ استاد پیدا می‌شود که نقش خود را به عنوان استاد راهنما به درستی انجام می‌دهند نمی‌توان گفت که این معضل اخلاقی اساتید است؛ اینجا مسئله به ساختار برمی‌گردد. سیستم افراد را اینطور پرورش می‌دهد. از همان شروع کار و در دوره دانشجویی، افراد باید این کارها را انجام دهند، تا زمانی که بخواهند رزومه لازم برای عضویت در هیئت علمی را تهیه کنند و حتی وقتی که کار استادی را شروع می کنند و بخواهند در مراتب استادی ارتقاء پیدا کنند.

در حال حاضر برای جذب فرد به هیئت علمی اصلاً به توانایی تدریس او توجه نمی‌شود و صرفاً مقاله اهمیت دارد؛ اینکه چند مقاله چاپ کرده است، مجله‌ای که مقاله در آنجا چاپ شده چه رتبه‌ای داشته و همراه با چه کسی مقاله را نوشته است. سیستم از همان اول از شما یک رزومه می خواهد؛ رزومه بالابلندی که محتوای آن مهم نیست و خوانده نمی‌شود و فقط تعداد مهم است. واقعیت این است که نمی توان همه چیز را هم گردن اساتید انداخت. اگر فقط استاد مقصر باشد نباید موضوع اینقدر شایع می‌بود. وقتی درصد زیادی از اساتید این مشکل را دارند؛ یعنی مسئله به ساختار برمی‌گردد و ربطی به مسائل اخلاقی افراد ندارد.

انتهای پیام/